

مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی با ترس از جرم (مورد مطالعه: حاشیه‌نشینان شهر تبریز)

محمدباقر علیزاده اقدم^۱
محمد عباس‌زاده^۲
کمال کوهی^۳
سیمین افشار*^۴

چکیده

ترس و نگرانی از جرم از جمله مهمترین مسائل اجتماعی شهرهای امروز است که تحت تاثیر عوامل مختلفی همچون سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی است. هدف پژوهش حاضر مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی با ترس از جرم در بین حاشیه‌نشینان است. این پژوهش به روش پیمایشی در بین ۶۰۰ نفر از حاشیه‌نشینان شهر تبریز در سال ۱۳۹۷ با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که میزان ترس از جرم در سطح متوسط قرار دارد. همچنین میزان ترس از جرم برحسب جنس و وضعیت شغلی پاسخگویان متفاوت است. به‌طوری که میزان ترس از جرم در بین زنان بیشتر از مردان و در بین افراد خانه‌دار بیشتر از سایر گروه‌های شغلی است. بین کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی با ترس از جرم همبستگی معنادار معکوسی وجود دارد. علاوه بر این، احساس بهزیستی، اعتماد اجتماعی، استانداردهای شهروندی و مشارکت اجتماعی توانسته‌اند ۲۰ درصد از تغییرات ترس از جرم پاسخگویان را تبیین کنند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی، ترس از جرم، حاشیه‌نشینان.

مقدمه و طرح مسئله

امروز بسیاری از شهرهای بزرگ در ایران به مسائل فراوانی همچون رشد بی‌رویه جمعیت، افزایش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، احساس ناامنی اجتماعی، حاشیه‌نشینی، فقر، بیکاری، افزایش جرائم و انحرافات، فرسایش سرمایه اجتماعی و غیره رو به رو هستند. این مسائل و مشکلات باعث شده‌اند تا ساکنان شهرها در خصوص نحوه برخورد با ناهنجاری‌ها و جرایمی که با آنها مواجه می‌شوند، ترس‌ها و نگران‌هایی را تجربه کنند.

فرارو یکی از مهمترین پژوهشگران حوزه ترس از جرم، واکنش احساسی یا هیجانی فرد نسبت به جرائم یا نمادهایی که همراه با جرم هستند را به عنوان ترس از جرم تعریف می‌کند (Ferraro, 1995: 23). وار نیز ترس از جرم را به عنوان احساس نگرانی یا هراس ناشی از آگاهی یا انتظار خطر می‌داند (Warr, 2000: 453). در واقع، ترس از جرم همان احساس ناامنی است که فرد در پاسخ به نشانه‌های بی‌نظمی و عدم کنترل در جامعه آن را تجربه می‌کند (عشایری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۶). ترس از جرم پیامدهای متعددی بر فرد و جامعه از جمله آسیب‌های روانی همچون اضطراب و انزوا (Brewin et al., 2000) کاهش رضایت اجتماعی (Liska et al., 2001)، سلامت اجتماعی (Jackson & Stafford, 2009) احساس بهزیستی (Wilson-Doenges, Lorenc et al., 2012)، کاهش کیفیت زندگی و احساس امنیت (Cook & Fox, 2011) و افزایش بی‌اعتمادی (Cook & Fox, 2011) و کاهش همبستگی و مشارکت در انجمن‌های محلی و روابط در اجتماع (ربانی خوراسگانی و همتی، ۱۳۸۷) دارد.

ترس از جرم به‌طور خاصی در کلان‌شهرها، مناطق پرجمعیت و حاشیه‌نشین‌ها نسبت به مناطق دیگر بیشتر است (سهراب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۸). در مناطق حاشیه‌نشین، پایین بودن سطح پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها مانع از جابه‌جایی مکانی آنها می‌شود و اگر افرادی احساس ترس از جرم داشته باشند، مجبور به اقدام شخصی (مثل عدم حضور در اماکن عمومی، استفاده از سلاح سرد و...) برای کاهش آن خواهند شد و در نهایت، اضطراب ناشی از این وضعیت به افت کیفیت زندگی افراد در این مناطق منجر می‌شود (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۴). فقر، ویرانی، مسکن نامناسب، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، فقدان آسایش لازم، مسائل بهداشتی، کمبود فضاهای شهری، عدم امنیت، جرم‌زا بودن و نیز پناهگاه امن بودن برای بزهکاران و مجرمان از مهمترین ویژگی‌های مناطق حاشیه‌نشین است (لهسایی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۲). این عوامل نیز به نوبه خود باعث شده‌اند که در این مناطق میزان ترس از جرم و ارتکاب جرم بالا باشد.

ترس از جرم نیز مثل سایر پدیده‌های اجتماعی تحت تاثیر عواملی مختلفی است. از جمله این عوامل می‌توان به نقش سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی اشاره نمود. فردی که با دوستان، همسایگان و همکارانش در تعامل است و در گروه‌های ثانویه زیادی عضویت دارد، از حمایت و پشتیبانی آنها برخوردار است و در نتیجه، کمتر دچار بزه‌دیدگی و ترس از جرم می‌شود. پیوندهای افراد با محله‌شان، با دلبستگی بیشتر، درک ادغام اجتماعی و سرمایه‌گذاری در محله و کیفیت زندگی فرد و محله و شهر مانع ترس می‌شود. مشارکت اجتماعی و پیوندهای محله‌ای، به رفع ترس از جرم کمک می‌کند. همچنین پیوند یک فرد با اجتماع، به کاهش ترس او از جرم منجر می‌شود (رشادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۷۷).

حال پرسش اساسی اینجاست که شهر تبریز نیز به عنوان یکی از شهرهای بزرگ ایران که با مسئله حاشیه‌نشینی رو به رو است و مناطق حاشیه‌نشین کانون انواع آسیب‌های اجتماعی و جرایم هستند، سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی چه تاثیری بر ترس از جرم در بین حاشیه‌نشینان این شهر دارند؟ بنابراین هدف پژوهش حاضر، مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در بین حاشیه‌نشینان شهر تبریز است.

پیشینه تجربی

تا کنون پژوهش‌های متعددی در زمینه ترس از جرم صورت گرفته است. از مهمترین این پژوهش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

عبدالملکی و همکارانش (۱۳۹۶) نشان دادند که تجربه قربانی شدن، احساس آسیب‌پذیری، احساس بی‌نظمی در محله، نگرش به پلیس، پیوند محله‌ای و خطر ادراک شده، با ترس از جرم رابطه معناداری دارند.

یافته‌های پژوهش علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که بین متغیرهای بی‌نظمی اجتماعی تصویری، بی‌نظمی فیزیکی تصویری با ترس از جرم رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق محله‌ای و کنترل اجتماعی غیررسمی با ترس از جرم، رابطه معکوس و معناداری برقرار است.

رشادی و همکارانش (۱۳۹۵) نشان دادند که بین سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان همدان و میزان ترس از جرم در این شهرستان‌ها رابطه معناداری وجود دارد. در سطح خرد نیز بین ترس از جرم و کنترل اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی و سرمایه اجتماعی ارتباط معناداری مشاهده شد.

نتایج پژوهش مطلیع‌اله (۱۳۹۳) بیانگر آن است که میزان ترس از جرم بر حسب سن، تحصیلات، وضعیت تاهل و پایگاه اقتصادی- اجتماعی متفاوت است. همچنین بین متغیر ویژگی‌های محیطی زندگی و ویژگی‌های پیوند محله‌ای و ترس از جرم زنان رابطه معناداری وجود ندارد.

یافته‌های احمدی و همکاران (۱۳۸۸) بیانگر آن است که از میان متغیرهای فردی، جنسیت رابطه معناداری با ترس از جرم دارد و مردان ترس از جرم را بیش از زنان گزارش کرده‌اند. همچنین بی‌نزاکتی، دلبستگی به محله، کیفیت محله و درک جرم در محله به شکل معناداری با ترس از جرم رابطه دارند.

یافته‌های پیسیتلی و پارلا^۱ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «ترس از جرم و مشارکت در زندگی اجتماعی»، بیانگر آن است که بین مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی با ترس از جرم رابطه معنادار معکوسی وجود دارد.

جکسون و گری^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «ترس کارکردی و ناامنی عمومی درباره جرم»، نشان دادند که ترس از جرم پیامدهای نامطلوبی همچون کاهش کیفیت زندگی در بین شهروندان دارد. در این زمینه، هنسون^۳ و همکاران (۲۰۱۰) نیز نشان دادند که ترس از جرم و قربانی جرم شدن باعث اختلال در عملکرد شغلی و افزایش نرخ بیکاری می‌شود.

یافته‌های اوگورمن^۴ (۲۰۰۹) بیانگر آن است که در ایرلند شهروندانی که میزان نگرانی یا ترس‌شان از جرم پایین است، ترس از جرم تأثیر چشمگیری بر کیفیت زندگی‌شان ندارد، اما در افرادی که میزان ترس از جرم بالا است تأثیرپذیری کیفیت زندگی از ترس از جرم افزایش می‌یابد. یافته‌های ژانگ^۵ و همکاران (۲۰۰۹) در شهر تیانجین چین بیانگر آن است که در محلاتی که میزان پیوندهای عاطفی و ابزاری افراد بالا است، ساکنان محل ترس از جرم کمتری را احساس می‌کنند.

فرگوسن و میندل^۶ (۲۰۰۷) در مطالعه‌شان نشان دادند که سرمایه اجتماعی (حضور پلیس در محله، شبکه حمایت اجتماعی، رضایت محله‌ای، و منافع جمعی) تأثیر معناداری بر کاهش ترس از جرم دارد.

1- Piscitelli & Perrella

2- Jackson & Gray

3- Hanson

4- O'Gorman

5- Zhang

6- Ferguson & Mindel

در جمع‌بندی پیشینه پژوهش می‌توان گفت که در پژوهش‌های داخلی در کمتر پژوهشی به نقش سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در ترس از جرم شهروندان پرداخته شده است. اما در تحقیقات خارجی، در زمینه ارتباط سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی با ترس از جرم مطالعات متعددی صورت گرفته است. همچنین در بین حاشیه‌نشینان شهر تبریز تا جایی که جستجو در پایگاه داده‌ها برای نویسندگان مقدور بود، پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است.

چارچوب نظری

ترس یک فرایند شناختی و یا رفتاری نیست، بلکه حالت عاطفی پیچیده و نیرومندی است که در نتیجه احساس خطر در فرد شکل می‌گیرد. در واقع، ترس یک واکنش طبیعی و ضروری محسوب می‌شود؛ چون انسان را در برابر خطرهای هوشیار نگه داشته و موجب تحرک وی و اقدام برای مقابله با خطرهای و مشکلات می‌شود. ترس از جرم نیز نوعی اضطراب منطقی یا غیرمنطقی است که در نتیجه این استنباط که فرد در معرض خطر بزه‌دیدگی است، پدید می‌آید (پاک‌نهاد، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

پین^۱ (۲۰۰۰)، ترس از جرم را دامنه وسیعی از احساسات و پاسخگویی‌های عملی و عاطفی افراد جامعه، نسبت به بی‌نظمی‌ها و جرایم اعمال شده در آن تعریف می‌کند و بیان می‌دارد که ترس از جرم مسئله‌ای انفرادی و فردی نیست، بلکه بیشتر انتقالی و موقعیتی است. به عبارت دیگر، همه ما در زندگی خود، تحت تأثیر تجربیات و مناسبات اجتماعی در سایه‌ای از ترس حرکت می‌کنیم (به نقل از صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ۱۲۶). ترس از جرم به صورت واکنش احساسی خودش را نشان می‌دهد و با نشانه‌های مشاهده شده در محیط زندگی مرتبط با جرم بروز می‌کند. ترس از جرم می‌تواند زمینه‌های واقعی داشته و یا کاملاً غیرواقعی باشد. میزان مختلف ترس از جرم، پیامدهای مختلفی را در جامعه به بار می‌آورد. برای مثال، میزان‌های بالای ترس از جرم می‌تواند به اضطراب‌های شدید و در نتیجه فلج شدن جامعه منجر شود. احساس اضطراب و ناامنی، صرف مبالغ هنگفت برای جلوگیری از قربانی جرم شدن، تحرک جغرافیایی و جنب و جوش کمتر، بی‌اعتمادی به دیگران رشد شایعات شهری، قوت گرفتن کلیشه‌های ذهنی درباره گروه‌های اجتماعی و تمایل به شیطانی جلوه دادن دیگران، از جمله هزینه‌های روانی، اجتماعی اقتصادی افزایش ترس از جرم در جامعه است (عشایری و جوانمرد، ۱۳۹۶: ۵۹).

امروزه در شهرها ترس از جرم با عوامل مختلفی همچون میزان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در ارتباط است. فرض ارتباط میان سرمایه اجتماعی و ترس از جرم، از نظریه بی‌سازمانی

اجتماعی گرفته شده است. سرمایه اجتماعی به مهارت‌های اجتماعی و منابع لازمه برای ایجاد تغییرات مثبت در زندگی اجتماعی نیاز دارد. همچنین، باعث افزایش ظرفیت عمل برای رسیدن به اهداف اجتماعی می‌باشد (رسول‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۰). در مورد سرمایه اجتماعی با توجه به سطح بازگشت بازده به فرد یا گروه، دو دیدگاه مطرح است که انعکاس‌دهنده این دو سطح فردی و جمعی یا گروهی می‌باشد. طبق این تقسیم‌بندی می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو^۱، کلمن^۲، پاتنام^۳ و فوکویاما^۴ در سطح گروهی مطرح می‌شود که در آن صورت سرمایه سرمایه اجتماعی شامل روابط، اعتماد، هنجارها، مشارکت و... می‌باشد؛ اما از نظر دیدگاه تحلیل شبکه، سرمایه اجتماعی تنها در سطح رابطه‌ای-فردی مطرح می‌باشد و به شبکه روابط، حمایت‌ها و منابع در دسترس اطلاق می‌گردد. این نوع سرمایه اجتماعی که سرمایه اجتماعی شبکه نام دارد، بر منابع ابزاری و حمایتی متنوع و موجود در شبکه که با سرمایه‌گذاری افراد در روابط اجتماعی و دستیابی به پیوندهای اجتماعی مختلف، به دست می‌آید متمرکز است (توسلی و امانی، ۱۳۹۱: ۵۷).

ماهیت نظریه بی‌سازمانی این است که برخی اجتماعات به دلیل اختلال در فرایندهای رسمی و غیررسمی کنترل اجتماعی، قادر به خودتنظیمی مؤثر نیستند. سرمایه اجتماعی ماهیت و بنیان کنترل اجتماعی می‌باشد و آن، شامل اشتراکات اجتماعی نیرومندی است که برای تقویت نظم به وجود آمده و این همان چیزی است که باعث تقویت هنجارها می‌شود و در نتیجه، سطح انسجام اجتماعی افزایش می‌یابد. جوامع بی‌سازمان، همواره از وجود جرم و سایر شرایط تهدیدکننده، عذاب می‌کشند؛ زیرا آنها دچار کمبود منابع کافی برای حفظ سرمایه اجتماعی می‌باشند (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۰).

بر اساس نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، شهرهای مدرن با تغییراتی مثل تضعیف علاقه و روابط خویشاوندی، کاهش کارایی نهادهای اجتماعی، تضعیف روابط همسایگی، کاهش انسجام اجتماعی، افزایش فقر، افزایش بی‌اعتمادی، کاهش مشارکت اجتماعی و مواردی مانند آن مواجه شده‌اند که محیط مناسبی برای کجروی و جرم فراهم می‌کند (احمدی، ۱۳۹۲: ۴۳). طبق استدلال این دیدگاه هر چه ارتباطات اجتماعی بین افراد یک اجتماع یا محله بیشتر باشد و آنان بتوانند برای خود شبکه‌ای از روابط بسازند، احساس تعلق خاطر به اجتماع می‌یابند و چنین احساسی سبب کاهش ترس از جرم در میان آنان می‌شود (رشادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۷۷). در کل می‌توان چنین گفت که نظریه بی‌سازمانی اجتماعی بر شرایط ساختاری و نوعی از سازمان

1- Bourdieu
2- Coleman
3- Putnam
4- Fukuyama

اجتماعی تأکید می‌کند که نقطه مقابل اعتماد، مشارکت، همبستگی و پیوندهای اجتماعی است، شرایطی که در آن، شبکه‌های اجتماعی ضعیف، مشارکت در جامعه کم و اعتماد نیز اندک است (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۵).

کیفیت زندگی نیز از دیگر عواملی است که با ترس از جرم ارتباط دارد. کیفیت زندگی، مفهومی پیچیده و چندبعدی است که تحت تأثیر عواملی چون زمان، مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد، و از این رو معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف آن در نظر گرفته می‌شود. برخی آن را به عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، نشاط و شادکامی، رضایت‌مندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (رسول‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۳). برخی دیگر کیفیت زندگی را به عنوان رضایت فرد از ارزش‌ها، اهداف و نیازهایش از طریق تحقق توانایی‌ها و سبک زندگی خود، می‌دانند (پاست^۱، ۲۰۱۷: ۱۷۱). به نظر جکسون^۲ (۲۰۰۵)، میزان توانایی هر فرد جهت دنبال کردن اهداف و ارزش‌ها نشان‌دهنده کیفیت زندگی آن فرد می‌باشد. سامارکو^۳ (۲۰۰۱) کیفیت زندگی را یک احساس خوب بودن ناشی از رضایت یا عدم رضایت از جنبه‌های مختلف زندگی که برای شخص مهم هستند، می‌داند (به نقل از موحد و حسین‌زاده کاسمانی، ۱۳۹۱: ۱۱۸). داس^۴ (۲۰۰۸) نیز کیفیت زندگی را به‌عنوان بهزیستی و یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها تعریف می‌کند.

در مجموع، می‌توان گفت که کیفیت زندگی مفهومی است که برای ترسیم توسعه و رفاه جامعه به کار می‌رود و منعکس‌کننده شرایط زندگی، بهزیستی، شادکامی و رفاه افراد است (رسول‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۴).

در خصوص ارتباط ترس از جرم و کیفیت زندگی، یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که ترس از جرم بر احساس بهزیستی، سلامت اجتماعی و کیفیت زندگی افراد تأثیر دارد. در محیط‌های اجتماعی یا فضاهایی که ترس از جرم وجود دارد، احساس رضایت، احساس بهزیستی، سازگاری و تطابق فرد با جامعه بر کیفیت زندگی افراد تأثیر می‌گذارد (McKee & Milner, 2000; Lorenc et al., 2014). در این زمینه جکسون و استفورد (۲۰۰۹) ضمن بیان این‌که جرم و جنایت می‌تواند به طور گسترده‌ای با کیفیت زندگی افراد و همچنین انسجام و نظم اجتماعی رابطه معکوسی داشته باشد، ترس از جرم را تجلی مجموعه‌ای از اضطراب‌های اجتماعی

1- Post

2- Jackson

3- Sammarco

4- Das

و سیاسی می‌دانند که به چرخه‌ای تبدیل می‌شود و طی آن، نگرانی‌ها و اضطراب‌های مرتبط با جرم منجر به کاهش سلامتی و کیفیت زندگی شده و از سوی دیگر، کاهش سلامتی منجر به درک بیشتر آسیب‌پذیری نسبت به قربانی شدن می‌شود (عظیمی، ۱۳۹۵: ۲۳). از سوی دیگر، در محیط‌های اجتماعی یا محله‌هایی که افراد از کیفیت زندگی مناسبی (احساس رضایت پایین، پایین بودن میزان خدمات و استانداردهای شهروندی، پایین بودن احساس بهزیستی و...) برخوردار نیستند، میزان ترس از جرم بالایی در آن محلات احساس می‌شود (Hale, 1988).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر شیوه اجرا، پیمایشی، از نظر هدف، کاربردی و از نظر زمان، مقطعی است. جامعه آماری پژوهش حاشیه‌نشینان شهر تبریز در سال ۱۳۹۷ است که تعداد آنها برابر با ۳۸۴۰۰۰ نفر است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۶۰۰ نفر برآورد شده است. لازم به توضیح است که در فرمول کوکران، n حجم نمونه، N حجم جامعه آماری، t ضریب مشخص‌کننده احتمال خطا در حدود اطمینان مورد بررسی (۰/۹۵) که در جدول مقادیر استاندارد آن برابر ۱/۹۶ می‌باشد و d خطای قابل قبول اندازه‌گیری در سطح اطمینان مورد بررسی است که مقدار آن برابر با (۰/۰۵) است و S^2 به واریانس صفت مورد مطالعه در جامعه مورد بررسی اشاره می‌کند که میزان آن با استفاده از یک مطالعه مقدماتی در بین ۵۰ نفر از افراد جامعه ۰/۳۹، برآورد شده است.

$$n = \frac{N \cdot t^2 \cdot S^2}{N \cdot d^2 + t^2 \cdot S^2} = \frac{384000 * 3.84 * 0.39}{384000 * 0.0025 + 3.84 * 0.39} = 600$$

روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. روش کار بدین صورت بود که هر یک از مناطق پهنه شمال، جنوب، غرب و جنوب غرب تبریز که درگیر حاشیه‌نشینی هستند، به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شدند. در مرحله بعد به شیوه تصادفی یکی از محله‌های این مناطق انتخاب شدند. با توجه به این که هیچ آماری از تعداد افراد ساکن این محلات در دسترس نبود، افراد در دسترس به تکمیل پرسشنامه‌ها پرداختند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد ترس از جرم، سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی استفاده شده است که اعتبار و پایایی آنها مورد تأیید قرار گرفته است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های تفاوت میانگین (T و F)، همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شده است. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ صورت گرفته است.

تعریف مفهومی و عملیاتی مفاهیم پژوهش

ترس از جرم: مجموعه وسیعی از واکنش‌های تجربی، عاطفی و احساسی منفی ناشی از خطر آسیب و قربانی شدن می‌باشد. خطری که فرد آن را برآیند جرم و بی‌نظمی‌هایی می‌داند که افراد، جوامع و محیط به وجود آورنده آن می‌باشند (جهانی، ۱۳۹۰: ۹). برای سنجش مفهوم ترس از جرم از پرسشنامه پژوهش جکسون^۱ (۲۰۰۵) استفاده شده است. ترس از جرم در پژوهش حاضر شامل چهار بعد احساس امنیت، نگرانی از وقوع جرم و بزه‌دیدگی، تصور از میزان شدت عواقب و تاثیرات احتمالی بزه‌دیدگی بر زندگی افراد، احساس کنترل روی بزه‌دیدگی است. میزان پایایی این ابعاد به ترتیب عبارتند از: ۰/۸۳، ۰/۹۴، ۰/۸۹ و ۰/۸۴.

سرمایه اجتماعی: مجموع منابع واقعی و بالقوه در یک شبکه خاص است که این شبکه متشکل از روابطی است که در برگیرنده آشنایی و شناخت متقابل افراد از یکدیگر است (2018: Calcagnini & Perugini). در پژوهش حاضر سرمایه اجتماعی دربرگیرنده ابعاد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و حمایت اجتماعی است. برای سنجش این مفهوم از پرسشنامه پژوهش چلیبی و مبارکی (۱۳۸۴) بهره گرفته شده است. میزان پایایی ابعاد اعتماد اجتماعی ۰/۸۴، مشارکت اجتماعی ۰/۷۷، حمایت اجتماعی ۰/۷۰ و کل مقیاس ۰/۸۶ به دست آمد.

کیفیت زندگی: برداشت یک فرد از وضعیت جسمانی، روانی، اجتماعی و محیطی‌اش با توجه به فرهنگ و نظام ارزشی جامعه و نیز رابطه آن با اهداف، انتظارات، استانداردها و نیازهایش کیفیت زندگی گفته می‌شود (Pereira & Canavarro, 2015: 184). در پژوهش حاضر، برای سنجش کیفیت زندگی از پرسشنامه ربانی خوراسگانی و کیانیپور (۱۳۸۶) استفاده شده است. این پرسشنامه شامل چهار بعد است که عبارتند از: احساس بهزیستی، احساس رضایت، استانداردهای شهروندی، و منزلت نقشی. این متغیرها در قالب طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظر، مخالفم، کاملاً مخالفم) سنجیده شده‌اند. میزان پایایی ابعاد احساس بهزیستی ۰/۸۶، احساس رضایت ۰/۷۰، استانداردهای شهروندی ۰/۸۲، منزلت نقشی ۰/۷۴ و کل مقیاس ۰/۷۲ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی پژوهش بیانگر آن است که پاسخگویان در بازه سنی ۱۵-۸۱ سال قرار دارند و میانگین سنی آنها ۳۶/۴۸ سال است. ۴۴/۵ درصد پاسخگویان زن و ۵۵/۵ درصد نیز مرد هستند. از نظر وضعیت تأهل، ۵۸/۵ درصد متاهل، ۳۰/۵ درصد مجرد، ۷/۲ درصد همسر یا شوهر فوت

کرده و ۳/۸ درصد نیز مطلقه هستند. همچنین از نظر تحصیلات، ۱۱ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۲۲ درصد ابتدایی، ۲۴/۲ درصد راهنمایی، ۲۹/۸ درصد متوسطه یا دیپلم، ۱۳ درصد نیز دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. وضعیت شغلی پاسخگویان نیز بیانگر آن است که ۱۶/۲ درصد دارای کار تمام وقت، ۲۰ درصد کار پاره وقت، ۲/۵ درصد بازنشسته، ۲۸/۳ درصد خانه‌دار، ۲۲/۷ درصد بیکار و ۱۰/۳ درصد نیز دانشجو یا دانش‌آموز هستند.

اطلاعات جدول ۱ بیانگر آن است که میزان کیفیت زندگی، سرمایه اجتماعی و ترس از جرم (و ابعاد آن) پاسخگویان در سطح متوسط قرار دارد.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
کیفیت زندگی	۵۹	۲۹۰	۱۷۵/۴۷	۲۴/۱۷
سرمایه اجتماعی	۳۱	۱۵۵	۹۰/۳۸	۱۴/۸۶
احساس امنیت	۹	۳۶	۲۳/۳۴	۵/۴۰
نگرانی از وقوع جرم و بزه‌دیدگی	۱۸	۷۲	۴۱/۱۲	۱۲/۰۴
تصور از تأثیرات جرم و بزه‌دیدگی	۹	۳۶	۲۴/۸۸	۶/۲۱
احساس کنترل روی بزه‌دیدگی	۹	۳۶	۲۴/۶۶	۶/۰۱
ترس از جرم	۴۵	۱۸۰	۱۱۴/۰۱	۱۶/۷۹

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های آماری مختلفی استفاده شده است. آزمون فرضیه اول بیانگر آن است که بین سن و ترس از جرم رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۲. آزمون رابطه سن و ترس از جرم

متغیرها	مقدار همبستگی پیرسون	سطح معناداری
سن و ترس از جرم	-۰/۰۶۷	۰/۰۹۹

اطلاعات جدول ۳ نشانگر آن است که میزان ترس از جرم در بین زنان بیشتر از مردان است و میزان ترس از جرم بر حسب جنس پاسخگویان تفاوت معناداری با هم دارد.

جدول ۳. آزمون T برای مقایسه میانگین ترس از جرم به تفکیک جنس

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معناداری
جنس	زن	۱۱۷/۸۳	۱۶/۷۶	۵/۰۹	۵۹۷	۰/۰۰۱
	مرد	۱۱۰/۹۳	۱۶/۲۳			

اطلاعات جدول ۴ بیانگر آن است که بین میزان ترس از جرم و وضعیت تأهل و تحصیلات تفاوت معناداری وجود ندارد. اما میزان ترس از جرم بر حسب وضعیت شغلی پاسخگویان متفاوت است. نتایج آزمون تعقیبی توکی نیز نشانگر آن است که اختلاف میانگین مشاهده شده در وضعیت شغلی پاسخگویان، فقط در بین کسانی که شغل تمام وقت دارند با افراد خانه‌دار معنادار است و در بین وضعیت‌های شغلی دیگر تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۴. آزمون F برای مقایسه میانگین ترس از جرم بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معناداری
وضعیت تأهل	متاهل	۱۱۲/۷۹	۱۷/۲۹	۰/۶۰	۰/۶۱۴
	مجرد	۱۱۲/۳۰	۱۵/۷۶		
	همسر فوت کرده	۱۱۴/۶۵	۱۳/۸۰		
	مطلقه	۱۱۴/۶۷	۱۶/۹۴		
تحصیلات	بی‌سواد	۱۱۳/۴۸	۱۴/۱۸	۱/۷۳	۰/۱۴۲
	ابتدایی	۱۱۵/۱۴	۱۶/۴۵		
	راهنمایی	۱۱۶/۲۲	۱۸/۶۴		
	دبیرستان	۱۱۳/۰۳	۱۶/۶۹		
	دانشگاهی	۱۱۰/۶۶	۱۵/۶۳		
وضعیت شغلی	کار تمام وقت	۱۱۰/۰۲	۱۶/۲۴	۳/۴۹	۰/۰۰۴
	کار پاره وقت	۱۱۳/۱۲	۱۶/۴۴		
	بازنشسته	۱۰۹/۴۰	۱۹/۰۴		
	خانه‌دار	۱۱۷/۹۶	۱۶/۷۰		
	بیکار	۱۱۲/۸۶	۱۶/۵۸		
	دانشجو یا محصل	۱۱۴/۷۷	۱۶/۸۲		

اطلاعات جدول ۵ نشانگر آن است که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با ترس از جرم همبستگی معنادار معکوسی وجود دارد؛ به طوری که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، میزان ترس از جرم پاسخگویان کاهش می‌یابد.

جدول ۵. آزمون رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با ترس از جرم

متغیرها	مقدار همبستگی پیرسون	سطح معناداری
مشارکت اجتماعی و ترس از جرم	-۰/۱۴	۰/۰۰۱
حمایت اجتماعی و ترس از جرم	-۰/۲۲	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی و ترس از جرم	-۰/۲۹	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی و ترس از جرم	-۰/۳۰	۰/۰۰۰

اطلاعات جدول ۶ نشانگر آن است که بین کیفیت زندگی و ابعاد آن با ترس از جرم همبستگی معنادار معکوسی وجود دارد؛ به نحوی که با افزایش میزان کیفیت زندگی و ابعاد آن، میزان ترس از جرم پاسخگویان کاهش می‌یابد.

جدول ۶. آزمون رابطه کیفیت زندگی و ابعاد آن با ترس از جرم

متغیرها	مقدار همبستگی پیرسون	سطح معناداری
احساس رضایت و ترس از جرم	-۰/۱۳	۰/۰۰۱
احساس بهزیستی و ترس از جرم	-۰/۱۲	۰/۰۰۴
استانداردهای شهروندی و ترس از جرم	-۰/۲۸	۰/۰۰۰
منزلت نقشی و ترس از جرم	-۰/۰۷	۰/۰۵۵
کیفیت زندگی و ترس از جرم	-۰/۳۵	۰/۰۰۰

جدول شماره ۷، مدل رگرسیونی چندگانه ترس از جرم به روش گام به گام را نشان می‌دهد. تمامی پیش‌فرض‌های رگرسیون از جمله عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل، مستقل بودن خطاها یا باقیمانده‌ها و نرمال بودن توزیع خطاها یا باقیمانده‌ها مورد تأیید قرار گرفتند. اطلاعات مندرج در این جدول نشان می‌دهد همبستگی چندگانه معادل ۰/۴۵ محاسبه شده که گویای این مطلب است که متغیرهای مستقل به‌طور همزمان ۰/۴۵ با ترس از جرم ارتباط دارند. ضریب تبیین نیز ۰/۲۰ محاسبه شده است. به این معنی که ۲۰ درصد از تغییرات ترس از جرم پاسخگویان توسط متغیرهای اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، احساس بهزیستی و استانداردهای شهروندی تبیین شده است. ضرایب تأثیر استاندارد موجود در این جدول نشان می‌دهد که قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های ترس از جرم به ترتیب متغیرهای احساس بهزیستی (۰/۳۲-)، اعتماد اجتماعی (۰/۲۳-)، استانداردهای شهروندی (۰/۲۱-)، و مشارکت اجتماعی (۰/۱۴-) می‌باشند.

جدول ۷. مدل رگرسیونی چندگانه ترس از جرم

متغیرهای مستقل	B	Beta	t	Sig	R	R ²	F	Sig
احساس بهزیستی	-۰/۴۵	-۰/۳۲	-۷/۸۷	۰/۰۰۰				
اعتماد اجتماعی	-۰/۳۹	-۰/۲۳	-۵/۲۹	۰/۰۰۰	۰/۴۵	۰/۲۰	۳۶/۳۱	۰/۰۰۰
استانداردهای شهروندی	-۰/۳۳	-۰/۲۱	-۴/۸۳	۰/۰۰۰				
مشارکت اجتماعی	-۰/۴۲	-۰/۱۴	-۳/۳۲	۰/۰۰۱				

نتیجه‌گیری

یافته‌های توصیفی پژوهش بیانگر آن است که میانگین یا متوسط نمره ترس از جرم در بین نمونه مورد بررسی در سطح متوسطی قرار دارد. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش علی‌رودی‌نیا و همکارانش (۱۳۹۵) است که در پژوهش‌شان نشان دادند میزان ترس از جرم در بین حاشیه‌نشینان شهر مشهد در سطح متوسطی است.

یافته‌های استنباطی پژوهش نیز نشانگر آن است که بین سن و ترس از جرم رابطه معناداری به لحاظ آماری وجود ندارد. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش‌های احمدی و همکاران (۱۳۸۸) و بیات و همکارانش (۱۳۹۷) است. اما پژوهش‌های نبوی و چیشنه (۱۳۹۴)، شکوری اصل (۱۳۹۵)، نیازی و همکاران (۱۳۹۶)، آدومایرکو^۱ و همکاران (۲۰۰۲)، اسکاربرو^۲ و همکاران (۲۰۱۰)، کارکس^۳ و همکاران (۲۰۱۰)، نشان دادند که بین سن و ترس از جرم همبستگی معنادار معکوسی در حد ضعیفی وجود دارد. به طوری که با افزایش سن، ترس از جرم افراد کاهش می‌یابد.

همچنین یافته‌ها نشان دادند که میزان ترس از جرم بر حسب جنسیت پاسخگویان تفاوت معناداری با هم دارد؛ به طوری که میزان ترس از جرم در زنان بیشتر از مردان است. این یافته همسو با یافته‌های احمدی و همکاران (۱۳۸۸)، کاویانی و پورقهرمانی (۱۳۹۵)، نیازی و همکاران (۱۳۹۶)، لی^۴ (۲۰۰۷)، دلون^۵ (۲۰۰۸)، لیو^۶ و همکاران (۲۰۰۹)، کالمن و تیزدل^۷ (۲۰۰۹)، اندریسکو^۸ (۲۰۱۰) و دیزن^۹ (۲۰۱۱) است. از مهمترین دلایل بالا بودن میزان ترس از جرم زنان زنان می‌توان به آسیب‌پذیری بیشتر زنان به ویژه از نظر جسمانی در برابر جرایم، فضای مردسالارانه جامعه، ضعف پایگاه اقتصادی-اجتماعی، نابرابری و ناعدالتی جنسیتی، فقدان قدرت و سازوکار دفاعی بازدارنده، اعتماد به نفس یا احساس استقلال کمتر زنان به دلیل تصورات و کلیشه‌های جنسیتی، طراحی محیطی شهرها و... اشاره نمود (پاک‌نهاد، ۱۳۹۲؛ نیازی و همکاران، ۱۳۹۶).

دیگر یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین میزان ترس از جرم و وضعیت تأهل و تحصیلات پاسخگویان تفاوت معناداری وجود ندارد. اما بین وضعیت شغلی و میزان ترس از جرم

- 1- Adu-Mireku
2. Scarborough
3. Karakus
4. Lee
5. DeLone
6. Liu
7. Callanan & Teasdale
8. Andreescu
9. Deason

تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که میزان ترس از جرم در بین افرادی که خانه‌دار هستند بیشتر از سایر وضعیت‌های شغلی است. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش‌های احمدی و همکاران (۱۳۸۸)، شکوری اصل (۱۳۹۵)، میچلی^۱ و همکاران (۲۰۰۴)، دلون (۲۰۰۸)، تسلونی و زارافونیتو^۲ (۲۰۰۸) است.

سایر یافته‌های پژوهش نیز نشان داد که بین سرمایه اجتماعی و ترس از جرم همبستگی معنادار معکوسی وجود دارد و با افزایش میزان سرمایه اجتماعی پاسخگویان ترس از جرم آنها کاهش می‌یابد. همچنین از بین ابعاد سه‌گانه سرمایه اجتماعی، ابعاد اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در مدل رگرسیونی توانسته‌اند بر ترس از جرم تاثیرگذار باشند. این یافته همسو با یافته‌های پنج‌تنی (۱۳۹۳)، کاویانی و پورقهرمانی (۱۳۹۵)، لیندستروم^۳ و همکاران (۲۰۰۳)، فرگوسن و میندل (۲۰۰۷)، ژانگ و همکاران (۲۰۰۹)، پیسیتلی و پارلا (۲۰۱۷) است. در تحلیل این یافته‌ها می‌توان گفت که مهمترین مشخصه‌های اعتماد اجتماعی عبارتند از رواج صداقت، راستگویی، احترام به حقوق دیگران، همکاری و تعاون، عدم بی‌تفاوتی اجتماعی، کاهش تنش و نزاع. در جایی که اعتماد اجتماعی وجود ندارد نوعی بحران اجتماعی به وجود می‌آید و این بحران به نوبه خود باعث بحران انگیزش در امور اجتماع می‌شود و بحران انگیزش هم منجر به عدم میل و رغبت مردم برای مشارکت در امور محله و جامعه می‌شود. این شرایط باعث افزایش وجود آمدن ترس از جرم در بین افراد می‌شود. همچنین، افزایش مشارکت اجتماعی در امر تامین امنیت فضاها و مکان‌های شهری می‌تواند نقش موثری در کاهش بی‌نظمی در محله و به دنبال آن کاهش ترس از جرم داشته باشد. در واقع، مطابق با چارچوب نظری پژوهش می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی پایه و اساس کنترل اجتماعی است. سرمایه اجتماعی با تقویت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی موجب تقویت نظم و انسجام اجتماعی می‌شود. در محلات یا مکان‌هایی که اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و پیوندهای اجتماعی یا به طور کلی سرمایه اجتماعی ضعیف است به همان میزان نیز ترس از جرم بالایی در آن مکان‌ها یا محلات می‌تواند وجود داشته باشد. در مناطق حاشیه‌نشین نیز با تضعیف علاقه و روابط خویشاوندی، همسایگی و محله‌ای، کاهش کارآیی و اثربخشی نهادهای اجتماعی، کاهش انسجام اجتماعی، افزایش فقر،

1. Miceli

2. Tseloni & Zarafonitou

3. Liendestrom

فرسایش اعتماد و مشارکت اجتماعی و مواردی مانند آن محیط مناسبی برای افزایش ترس از جرم ایجاد می‌شود.

در نهایت مشخص شد که بین کیفیت زندگی و ترس از جرم همبستگی معنادار معکوسی وجود دارد و با افزایش کیفیت زندگی افراد، ترس از جرم آنها کاهش می‌یابد. همچنین از بین ابعاد چهارگانه کیفیت زندگی، فقط ابعاد احساس بهزیستی و استانداردهای شهروندی در مدل رگرسیونی پژوهش بر ترس از جرم پاسخگویان تاثیرگذار می‌باشند. این یافته همسو با یافته‌های پژوهش سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، عظیمی (۱۳۹۵)، هیل (۱۹۸۸) و جکسون و گری (۲۰۱۰) است. مطابق با چارچوب نظری احساس بهزیستی شیوه و روشی است که فرد یک زندگی خوب را تعریف می‌کند و معمولاً اشاره به شادکامی دارد. افرادی که احساس بهزیستی بالایی دارند، احساس زیاد لذت و خوشی و ناراحتی کم دارند و از زندگی‌شان احساس رضایت می‌کنند. وجود یا عدم فشارهای روانی و به ویژه فشارهای روانی در زندگی شهری، تاثیر به‌سزایی در تعیین احساس بهزیستی فرد دارد. زندگی در مناطق حاشیه‌نشین شهر مملو از فشارهای روانی مزمنی است. وجود خانه‌های متراکم و کوچک با مصالح ساختمانی بی‌کیفیت، جمعیت انبوه، عدم ارائه خدمات شهری مناسب، عدم ارائه خدمات بهداشتی مناسب، دفع نامناسب فضلاب، وجود انواع و اقسام آسیب‌های اجتماعی و غیره باعث می‌شود که افراد حاشیه‌نشین از احساس بهزیستی پایینی برخوردار باشند و از زندگی خود احساس رضایت نداشته باشند. لذا با کاهش احساس بهزیستی در بین شهروندان حاشیه‌نشینان، ترس از جرم آنها افزایش می‌یابد.

همچنین تعهدات اجتماعی شهروندان، میزان انسجام آنها، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی و حقوق فردی شهروندان عناصر تشکیل‌دهنده استانداردهای شهروندی هستند (ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶: ۹۲). از آنجایی که مناطق حاشیه‌نشین مناطقی هستند که استانداردهای شهروندی در آنجا پایین است و شهروندان همبستگی و تعهدات کمتری به محله و شهر دارند و از حقوق شهروندی نامناسبی نیز برخوردارند، با کاهش میزان استانداردهای شهروندی در بین آنها ترس از جرم افزایش می‌یابد.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
- احمدی، حبیب؛ سروش، احمدی و افراسیابی، حسین (۱۳۸۸)، ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰ (۳۴): ۶۵-۸۰.
- بیات، ناصر؛ پورغلامی، محمدرضا؛ اصانلو، علی و طالبیان کیاکالیبه، فاطمه (۱۳۹۷)، ترس از جرم در فضاهای عمومی شهری؛ مورد مطالعه: جامعه زنان منطقه ۱۲ شهرداری تهران، *پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۶ (۱۱): ۱۱۰-۱۳۰.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۲)، احساس ناامنی و ترس از جرم، *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۳ (۵): ۱۸۰-۱۵۵.
- پنج‌تنی، سیدمهدی (۱۳۹۳)، *تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم: آزمون تجربی نظریه‌های اثربخشی جمعی و پنجره‌های شکسته*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مازندران.
- توسلی، غلامعباس و کلاریجانی، ام‌الله (۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی (سرمایه اجتماعی شبکه)، *مجله مدیریت فرهنگی*، ۶ (۱۷): ۷۰-۵۵.
- جهانی، سمانه (۱۳۹۰)، *ترس از جرم در فضاهای عمومی شهر مشهد*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد (۱۳۸۴)، تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶ (۲): ۳-۴۴.
- حبیب‌زاده، اصحاب؛ عباس‌زاده، محمد؛ عابدینی، عیسی و هنرور، حسین (۱۳۹۳)، مطالعه رابطه اعتماد اجتماعی در بین رانندگان سطح شهر تبریز، *مطالعات پژوهشی راهور*، ۸ (۲۶): ۵۸-۳۳.
- ربانی خوراسگانی، رسول و همتی، رضا (۱۳۸۷)، تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم: مطالعه موردی شهروندان زنجان، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۹ (۳ و ۴): ۸۸-۵۸.
- ربانی خوراسگانی، علی و کیانپور، مسعود (۱۳۸۶)، مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی: مطالعه موردی: شهر اصفهان، *مسائل اجتماعی ایران*، ۳ (۴): ۶۷-۱۰۸.
- رسول‌زاده اقدم، صمد؛ عدلی‌پور، صمد و رضانی، احمد (۱۳۹۵)، فراتحلیل پژوهش‌های کیفیت زندگی شهری و روستایی در ایران، *جامعه‌شناسی سبک زندگی*، ۲ (۷): ۱۶۴-۱۲۹.
- رسول‌زاده اقدم، صمد؛ عدلی‌پور، عابدینی، صمد (۱۳۹۷)، مطالعه جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با کجروی فرهنگی (مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)، *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۷ (۱۲): ۴۳-۲۳.
- رشادی، منوچهر؛ زارع، بیژن؛ دانش، پروانه و قادری، صلاح‌الدین (۱۳۹۵)، تبیین جامعه‌شناختی میزان ترس از جرم در شهرستان‌های استان همدان در دو سطح خرد و منطقه‌ای، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۵ (۴): ۶۸۹-۶۶۳.

- سهراب‌زاده، مهران؛ عشایری، طاها و حسونند، اسماعیل (۱۳۹۳)، تبیین جامعه‌شناسی ترس از جرم (پیمایش مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز در سال ۱۳۹۳)، *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۳۰: ۸۷-۱۲۲.
- شکوری اصل، شیده (۱۳۹۵)، ترس از جرم در بانوان در فضاهای شهری (نمونه موردی: محله‌های مخصوص و سلامت)، *پروژه‌نامه زنان*، ۷ (۲): ۸۵-۱۰۸.
- صادقی فسایی، سهیلا و میرحسینی، زهرا (۱۳۸۸)، تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم در میان زنان شهر تهران، *نامه علوم اجتماعی*، ۱۷ (۳۶): ۱۵۲-۱۲۵.
- عباس‌زاده، محمد؛ عزیززاده اقدم، محمداقبر و اسلامی بناب، سیدرضا (۱۳۹۱)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱ (۱): ۱۷۲-۱۴۵.
- عبدالملکی، احمد؛ زاهدی مازندرانی، محمدجواد؛ ملکی، امیر و علی‌اکبری، اسماعیل (۱۳۹۶)، تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم در شهر تهران، *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۵۱: ۲۶۰-۲۳۱.
- عشایری، طاها و جوانمرد، محمد (۱۳۹۶)، بی‌سازمانی اجتماعی، کلانشهرها و شیوع ترس از جرم در بین زنان جامعه، *دانش انتظامی استان آذربایجان شرقی*، ۷ (۱): ۷۱-۵۱.
- عشایری، طاها؛ عباسی، الهام؛ نطقی، علیرضا؛ آخوندزاده آرانی، محدثه و نوری، رمضانعلی (۱۳۹۶)، عوامل موثر بر ترس زنان از جرم در فضای شهری، *پروژه‌های دانش انتظامی*، ۱۹: ۱۴۹-۱۲۵.
- عظیمی، فاطمه (۱۳۹۵)، رابطه ترس از جرم و سلامت عمومی در زنان شهر زنجان، *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۴ (۱): ۳۴-۲۰.
- علی‌وردی‌نیا، اکبر؛ جانعلیزاده، حیدر و پنج‌تنی، مهدی (۱۳۹۵)، تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم: آزمون تجربی نظریه‌های اثربخشی جمعی و پنجره‌های شکسته، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۷ (۶۱): ۶۶-۴۳.
- کاویانی، ایرج و پورقهرمانی، بابک (۱۳۹۶)، عوامل موثر بر ترس از جرم در مناطق حاشیه‌ای جنوب شهر تبریز، *انتظام اجتماعی*، ۸ (۴): ۳۲-۷.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۹۱)، نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین مورد مطالعه: شهر کرمانشاه، *مطالعات شهری*، ۲ (۳): ۶۴-۲۱.
- مطیع‌اله، لطف‌اله (۱۳۹۳)، *بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر ترس از جرم در بین زنان (با تاکید بر فضاهای شهر اهواز)*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- موحد، مجید و حسین‌زاده کاسمانی، مرتضی (۱۳۹۱)، رابطه اختلال هویت جنسیتی با کیفیت زندگی، *رفاه اجتماعی*، ۱۲ (۴۴): ۱۴۲-۱۱۱.
- نبوی، عبدالحسین و حبیب‌شاه، فرات (۱۳۹۴)، بررسی برخی عوامل اجتماعی موثر بر ترس از جرم و پیامدهای آن (مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ سال و بالاتر اهواز)، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۱۲ (۴۴): ۱۲۸-۱۱۴.
- نیازی، محسن؛ عباس‌زاده، محمد؛ بیات، بهرام و عشایری، طاها (۱۳۹۶)، فراتحلیل بررسی عوامل موثر بر ترس از جرم در بین شهروندان، *پروژه‌های دانش انتظامی*، ۱۹ (۳): ۶۷-۴۱.

- Adu-Mireku, S. (2002), Fear of crime among Residents of Three Communities in Accra, Ghana, *International Journal of Comparative Sociology*, 43(2): 153-168.
- Andreescu, V. (2010), Victimization and fear of crime in Romania and Hungary: a comparative analysis, *Romanian Journal of Sociology*, 21 (3-4): 163-183.
- Brewin, C. R. Andrews, B., Rose, S. (2000), Fear, helplessness, and horror in posttraumatic stress disorder: investigating DSM-IV criterion A2 in victims of violent crime, *Journal of Traumatic Stress*, 13(3): 499-509.
- Calcagnini, G., Perugini, F. (2018) Socio-Economic Planning Sciences, <https://doi.org/10.1016/j.seps.2018.11.005>.
- Callanan, J. V. & Teasdale, B. (2009), An Exploration of gender differences in measurement of fear of crime, *Feminist Criminology*, 4 (4): 359-374.
- Cook, C. L. & Fox, K. A. (2011), Fear of, property crime: examining the effects of victimization, vicarious victimization, and perceived risk, *Violence and Victims*, 26(5): 684-700.
- Das, D. (2008), Urban quality of life: a case study of Guwahati, *Social Indicators Research*, 88(2): 297-310.
- Deason, H. (2011), *Critical analysis of fear of crime on college campuses*, Master of arts in criminology and criminal justice, University of Texas at Arlington.
- Delone, J. G. (2008). Public housing and the fear of crime, *Journal of Criminal Justice*, 36(2): 115-125.
- Ferguson, K. M., & Mindel, C. H. (2007), Modeling fear of crime in Dallas neighborhoods: a test of social capital theory, *Crime and Delinquency*, 53(2): 322-349.
- Ferraro, K. F. (1995), **Fear of Crime: Interpreting Victimization Risk (Sunny Series in New Directions in Crime and Justice Studies)**, New York: State University of New York Press.
- Hale, C. D. (1988), Fear of crime and quality of life: a test of Garofalo and Laub's model, *Criminal Justice Review*, 13(1): 13-19.
- Hanson F. R., Sawyer, K. G., Begle, A. M. & Hubel, G. S. (2010) The impact of crime victimization on quality of life, *Journal of Traumatic Stress*, 23(2): 189-197.
- Jackson, J. & Gray, E. (2010), Functional fear and public insecurities about crime. *British Journal of Criminology*, 50(1):1-22.
- Jackson, J. & Stafford, M. (2009), Public health and fear of crime: a prospective cohort study, *British Journal of Criminology*, 49(6): 832-847.
- Jackson, J. (2005), Validating new measures of the fear of crime, *International Journal of Reserch Methodology*, 8(4): 1-19.

- Jackson, T. (2005), Live better by consuming less? is there a “double dividend” in sustainable consumption?, *Journal of Industrial Ecology* 9(1-2): 19- 36.
- Karakus, O, McGarrell E. F, & Basibuyuk, O. (2010), Fear of crime among citizens of Turkey, *Journal of Criminal Justice*, 38(2): 174–184.
- Lee, M. (2007), *Inventing Fear of Crime: Criminology and the Politics of Anxiety*, Routledge.
- Lindstrom, M, Merlo, J. & Ostergren, P. (2003), Social capital and sense of insecurity in the neighborhood: A population-based multilevel analysis in Malmo, Sweden, *Social Science and Medicine*. 56(5). 1111-1120.
- Liska. A. E. Sanchirico, A, & Reed, M. D. (2001), Fear of crime and constrained behavior specifying and estimating a reciprocal effects, *Social Forces*, 66(3): 827-837.
- Liu, J, Messner, S. F, Zhang, L, Zhuo, L. (2009), Socio-Demographic correlates of fear of crime and the social context of contemporary urban China, *American Journal of Community Psychology*, 44(1-2): 93-108.
- Lorenc, T, Clayton, S, Neary, D, Whitehead, M, Petticrew, M, Thomson, H, Cummins, S, Sowden, A, Renton, A. (2012), Crime, fear of crime, environment, and mental health and wellbeing: mapping review of theories and causal pathways, *Health & Place*, 18(4): 757-765.
- Lorenc, T, Petticrew, M, Whitehead, M, Neary, D, Clayton, S, Wright, K, et al. (2014), Crime, fear of crime and mental health: synthesis of theory and systematic reviews of interventions and qualitative evidence, *Public Health Research*, 2(2): 1-8.
- McKee, K. J. & Milner, C. (2000), Health, fear of crime and psychosocial functioning in older people, *Journal of Health Psychology*, 5(4): 473-486.
- Miceli, R, Roccato, M, & Rosato, R. (2004), Fear of crime in Italy: spread and determinants, *Environment and Behavior*, 36(6): 776-789.
- O’Gorman, A. (2009), *Fear of Crime in Ireland and its Impact on Quality of Life*. Dublin: Department of Justice, Equality and Law Reform. National Crime Council.
- Pereira, M, & Canavarro, C. M. (2015). Reliability and validity of the European Portuguese version of the quality of life index EUROHIS-QOL-8 in HIV-infected patients, *Revista Portuguesa de Saúde Pública*, 33(2): 183-187.
- Post, W. M. M. (2014), Definitions of quality of life: what has happened and how to move on, *Topics in Spinal Cord Injury Rehabilitation*, 20(3): 167–180.
- Scarborough, K. B, Like-Haislip, T. Z, Novak, K. J, Lucas, W. L, & Alarid, L. F. (2010), Assessing the relationship between individual characteristics, neighborhood context, and fear of crime, *Journal of Criminal Justice*, 38(4): 819-826.

-
- Tseloni, A, & Zarafonitou, C. (2008), Competing measurements fear of crime and victimization: a multivariate multilevel analysis of competing measurements, *European Journal of Criminology*, 5(4): 387-409.
- Warr, M. (2000). *Fear of crime in the United States: avenues for research and policy*, National Institute of Justice.
- Wilson-Doenges, G. (2000), An exploration of sense of community and fear of crime in gated communities, *Environment and Behavior*, 5(32): 611-597.
- Zhang, L, Messner, S. F, Liu, J & Zhuo, Y. A. (2009), Guanxi and fear of crime in contemporary urban China, *British Journal of Criminology*, 49(4): 472-490.